



هر که از پیامبر(ص) پیروی کند محبوب خداوند می‌شود

۱۷ ربیع الاول، سالروز ولادت نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی(ص) با چند تن از اندیشمندان و کارشناسان مذهبی کشورمان درباره شخصیت پیامبر(ص) و سیره عبادی و سیاسی ایشان به گفتگو نشستیم ...

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» هر که از پیامبر(ص) پیروی کند محبوب خداوند می‌شود، چون آن حضرت حبیب الله است.

خبرگزاری مهر: ضمن تبریک ۱۷ ربیع الاول، سالروز ولادت نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی(ص) با چند تن از اندیشمندان و کارشناسان مذهبی کشورمان درباره شخصیت پیامبر(ص) و سیره عبادی و سیاسی ایشان به گفتگو نشستیم که متن آن در ادامه تقدیم می‌گردد؛

هر که از پیامبر(ص) پیروی کند محبوب خداوند می‌شود

غلامرضا اعوانی، رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران درباره وظیفه ما نسبت به نبی مکرم اسلام به **خبرنگار مهر** گفت: اتباع و پیروی از حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص) و کسانی که از آن حضرت به درستی اتباع کردند، بر ما واجب و لازم است. قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آیه ۳۱ سوره آل عمران) اگر به خدا اعتقاد دارید از من پیامبر(ص) اتباع و پیروی کنید تا محبوب خدا شوید. هر کسی از پیامبر(ص) پیروی کند محبوب خداوند می‌شود، چون آن حضرت خودشان حبیب الله هستند.

وی افزود: بنابراین اتباع و پیروی از آن حضرت و الگو قرار دادن ایشان بسیار مهم است. همچنین اتباع از کسانی اتباع و تاسی از آن حضرت کردند هم لازم و مفید است کسانی که سایه به سایه آن حضرت و قدم به قدم ایشان رفتند هم دارای برکات و تأثیراتی است. این نکته بسیار مهمی است. خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (آیه ۱۰۸ سوره یوسف)

در روایت آمده است که حضرت محمد(ص) عین قرآن بوده است. قرآن کتاب و نوشته است اما حقیقت قرآن در حضرت رسول(ص) محقق بوده است. به تعبیری حضرت، قرآن ناطق بوده است که همین مقام را برای ائمه(ع) به طور مطلق و به درجاتی در مورد اولیاء قائل هستیم. بنابراین باید حضرت رسول(ص) را به عنوان الگو و نمونه قرار دهیم و از آن حضرت پیروی کنیم. اتباع از آن حضرت، مکان و زمان نمی‌شناسد. اگر انسان ایمان دارد در هر شرایطی باید درجات ایمان خود را افزایش دهد و به هر شکلی و تا حد امکان آن حضرت را الگو قرار دهد، اگرچه ممکن است مشکل باشد. اگر پیروی نباشد ایمان چه معنایی دارد؟!

وحشت غرب از نفوذ معنوی پیامبر(ص)

حجت الاسلام ادیب یزدی، خطیب و کارشناس مذهبی درباره علت جسارت به پیامبر اسلام در کشورهای غربی به **خبرنگار مهر** گفت: هرکس که به تحقیق در مورد پیامبر(ص) پرداخته در نهایت تسلیم واقع شده‌است. اما متأسفانه شاهدیم مخصوصاً در سال‌های اخیر جسارت‌ها نسبت به پیامبر مکرم اسلام شدت گرفته است. از یک طرف مسلمانان خوب نتوانسته‌اند از جایگاه پیامبر اکرم(ص) دفاع کنند. از طرف دیگر رفتار برخی جریان‌های خبیث در دوران ما تحت عنوان سلفی‌گری و تکفیری و... باعث شده که وجود مبارک پیامبر به قدری تنزل کند که هرکسی به خود اجازه دهد که در مورد پیامبر اکرم به راحتی نظر بدهد و تا حدود زیادی جریانات تندرو موجبات این جسارت را فراهم کرده‌اند.

وی با بیان اینکه جسارت غرب به نبی مکرم اسلام نشان دهنده وحشت غرب از حضور معنوی رسول خدا در پایگاه‌های هدایتی عالم بشریت است، گفت: جاذبه پیامبر بسیار زیاد و حتی نام مبارک ایشان در جوامع بشری نام اول است؛ جالب اینجاست که اسم محمد در انگلیس و دیگر جوامع غیراسلامی هم نام اول است. لذا نفوذ معنوی و بی‌سابقه رسول خدا، غرب را به وحشت انداخته؛ چون تعداد مسلمانان هم روز به روز در کشورهای مختلف رو به رشد است. لذا بدیهی است که جریانات باطل و صهیونیستی از این موج روی‌آوری به رسول خدا و خاندان مطهرشان در هراس هستند و به هر طریقی می‌خواهند عقده حقارت خود را جبران کنند.

ادیب یزدی درباره سیره پیامبر(ص) نیز گفت: در احوالات پیامبر داریم که در میان مردم زندگی می‌کرد ولی مثل مردم زندگی نمی‌کرد. در میان مردم زندگی می‌کرد تا حجت خدا باشد اما روح مبارکش متوجه به عالم بالا بود. جهت‌گیری پیامبر رو به عالم معنا بود. به همین خاطر تمام رفتار ایشان مشحون از بشارت‌های توحیدی است. ایشان غوطه‌ور در ذکرالله بود و لحظه‌ای از عمر شریفشان نبود که متوجه به پروردگار نباشد. اصلاً لذتی از معیت پرودگار می‌برد که تمام توجه‌شان به سمت خدا بود. لذا سنگین‌ترین مصائبی که برای حضرت پیش می‌آمد به شوق لقای حضرت باری تعالی برای ایشان سبک بود و تحمل می‌فرمود. شدت توحید و عشق به رضای پرودگار همه این امور را برای ایشان آسان می‌کرد.

وی افزود: نکته دیگری که در زندگی ایشان بسیار پررنگ است اختلاط ایشان با مردم است. غمخوار مردم بود و هر وقت مسئله‌ای پیش می‌آمد، اولین نفر قدم پیش می‌گذاشتند و سنگین‌ترین کارها را به عهده می‌گرفتند. در جریان جنگ خندق که

قرار شد خندقی در اطراف شهر به عرض ۶ تا ۷ متر و به طول ۲ تا ۳ کیلومتر کنده شود، اولین کسی که کلنگ برداشت و سخت‌ترین جای زمین را برای کندن انتخاب کرد خود ایشان بود.

این کارشناس مذهبی افزود: عمامه کرباسی به سر مبارک می‌گذاشتند و هرگز دنبال عمامه پارچه‌ای و نرم نبودند. یک پیراهن عربی به تن می‌کردند که در اثر شستن زیاد، تار و پود آن معلوم بود. آن حضرت مثل برده‌ها بر روی زمین می‌نشست و زانوهای خود را در بغل می‌گرفتند. از حضرت سوال شد: «یا رسول الله لم جلست کجلسه العباد؟» یعنی چرا مثل برده‌ها می‌نشینی؟ فرمود من هم بنده‌ای بیش نیستم. مثل فقیرترین مردم زندگی می‌کرد و می‌فرمود: «الفقر فخری» یعنی فقر افتخار من است و می‌فرمود خدایا فردای قیامت من را با فقرا محشور کن.

حجت الاسلام ادیب یزدی اضافه کرد: ابوذر می‌گوید به پیامبر وارد شدم در حالی که در حجر اسماعیل نشسته بودند، می‌فرمودند بخدا قسم آنها پست‌ترین اند. سوال کردم یا رسول الله چه کسی را می‌گویید؟ پیامبر فرمود کسانی که طلا روی طلا جمع می‌کنند و بین فقرا تقسیم نمی‌کنند. پیامبر هرگز با ابهت و عظمت در میان مردم ظاهر نمی‌شد و سعی می‌کرد در نهایت افتادگی باشد. اینها بود که اسلام را پیش برد و دلهای مردم را به سوی پیامبر جذب کرد.

سیره عبادی پیامبر(ص)

حجت الاسلام جباری استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز درباره سیره عبادی پیامبر(ص) گفت: جلوه‌های عبادت در سیره پیامبر اعظم(ص) در نماز و ذکر، تهجد و نوافل، روزه، اعتکاف و حج رخ نموده است. نماز ایشان، که آن را نور چشم خود می‌خواند، همراه بود با اوج توجه و حضور دل. حضرت رسول(ص) بر تهجد و نوافل نیز اهتمام خاصی داشتند. همچنین عبادات سنگین و طولانی همراه با فراهم‌سازی لوازم و مقدمات آن از قبل و نیز آداب خاصی چون تقسیم نماز بر ساعات شب، بیداری پس از ثلث یا نصف شب و قرائت قرآن و مناجات در گزارش‌های مربوط به سیره عبادی آن حضرت به چشم می‌خورد.

وی گفت: سیره عبادی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) از مهم‌ترین محورهای مطرح در سیره نبوی(ص) است؛ چرا که می‌توان عبادت و عرفان را غایت حرکت انسان به ویژه پیامبر اکرم(ص) در سیر معنوی دانست. اهمیت بعد عرفان و عبادت، مربوط به ارتباط این دو امر با هدف نهایی و متعالی خلقت انسان‌هاست. به حکم گفته الهی در آیه نورانی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» هدف از خلقت بخش تکلیف‌مدار هستی، یعنی انسان و جن، عبادت است و عبادت نیز بدون معرفت ارزشی ندارد و عبادت مورد نظر این آیه نیز عبادتی قرین و ملازم با معرفت است؛ بدین معنا که هر درجه از عبودیت، درجه‌ای از معرفت را می‌طلبد و با هر عبادت عارفانه، درجه‌ای برتر از معرفت به دست می‌آید. این روند رو به کمال و رشد تا بالاترین مراحل امکان معرفت ادامه می‌یابد و به این ترتیب، مفهوم سخن برخی مفسران که «لیعبدون» را در آیه یادشده «لیعرفون» معنا کرده اند، روشن می‌شود.

استاد موسسه امام خمینی ادامه داد: با آنچه گفته آمد روشن شد که معرفت و بصیرت از نظر رتبه مقدم بر عبادت و عبودیت است و عبادت بی معرفت و شناخت را ارجی نتوان نهاد؛ زیرا تا عبد شناختی هرچند اندک به آنچه می‌پرستد نیابد، عبادتش جز کاری لغو، بی مبنا، بی هدف یا تقلیدی صرف نیست و عبادی که این چنین‌اند همواره در روایات ملامت شده‌اند و درجه عبادتشان بر اساس درجه عقل و معرفتشان محک خورده است.

جباری افزود: عبادت نبوی(ص) عبادتی بود همراه با بالاترین درجات معرفت به معبود هستی؛ و این سیر معرفتی با زمینه‌های تربیت نبوی(ص) از دوران کودکی ایشان توسط برترین ملک الهی ادامه یافت و سرانجام با اتصال نبی اکرم(ص) به منبع وحی الهی پس از رسالت به اوج رسید. پس از مرتبه معرفت، نوبت به ذکر و حضور دل می‌رسد و نیز توجه دائم به منبع عظیم هستی و با این توجه و حضور دل، اعضا و جوارح نیز در مراتب بعدی همراه شده، عبادات جارح‌های قرین عبادات جانحه‌ای می‌گردند.

این کارشناس دینی در پایان افزود: پیامبر اکرم(ص) خود، معرفت را سرمایه اصلی خویش معرفی می‌فرمود و چنان که گذشت، خداوند متعال مسیری رو به کمال را برای فزونی معرفت آن حضرت ترسیم کرده بود. رخداد بعثت برای آن حضرت، همراه بود با پیدایش درجه والایی از معرفت در باب هستی؛ به گونه‌ای که با کنار رفتن پرده‌ها از مقابل دیدگان حقیقت‌بین آن حضرت، حقایق هستی برای روح متعالی ایشان منکشف و متجلی شد. بنابر روایتی از امام صادق(ع)، هنگامی که از آن حضرت پرسیدند پیامبران چگونه به رسالت خویش پی می‌برند؟ فرمود: «پرده از مقابل دیدگان‌شان کنار می‌رود».

رسالت پیامبر اعظم(ع) با رسالت دیگر انبیاء متفاوت است

حجت الاسلام والمسلمین علی نصیری، رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد نیز به **خبرنگار مهر** گفت: رسالت پیامبر از نوعی دیگر است: بر دوش گرفتن وحی الهی که قرآن درباره آن می‌فرماید: «إِنَّا سُلِّقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (آیه ۵ سوره مزمل): در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می‌کنیم. این نقل از نوع دیگری است که تنها انسانی ثقیل و گران مایه می‌تواند آنرا بر دوش کشد. انسانی که بتواند قرآنی را تحمل کند که به تعبیر خود قرآن کریم کوه‌ها تاب تحملش را ندارند. او با برعهده گرفتن این مسئولیت، جامع‌ترین، کامل‌ترین و عالی‌ترین دین و آموزه‌ها را ارائه می‌کند.

تذکر این نکته لازم است که اعتقاد ما بر این است که پیامبر اسلام(ص)، رسول است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» رسالت پیامبر اعظم(ع) با رسالت دیگر انبیاء متفاوت است. اینکه گفته می‌شود فرق نبی با رسول آن است که نبی، فرشته را در خواب می‌بیند و رسول آنرا در بیداری مشاهده می‌کند و با او سخن می‌گوید، با اینکه برخی گفته‌اند مقام رسالت

آن است که رسول فرمانی را دریافت می کند و مأمور به ابلاغ آن است و نبی فرمانی دریافت می کند اما مأمور به ابلاغ آن نیست، اینها مطالب ساده ای است که نمی تواند به درستی بیانگر شأن رسالت باشد. به طور کلی رسالت پیامبر گرامی اسلام(ص) با رسالت هیچ یک از رسولان الهی قابل قیاس نیست.

سیره پیامبر(ص) در برخورد با مخالفان و کافران

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفی پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی نیز گفت: انسان برای اینکه بتواند در مسیر درست حرکت کند، از جهت علمی و عملی نیاز به الگو و میزان دارد. در انتخاب این الگو، چه بهتر که انسان های کاملی را بر گزینیم که در رفتار و اندیشه ها سرآمد دیگر انسان ها هستند. کامل ترین انسان در بین انسان ها، انبیاء و امامان(ع) هستند و در بین امامان و انبیاء(ع) هم پیغمبر اسلام(ص) کامل ترین انسانهاست و لذا قرآن کریم به ما مسلمان ها بلکه به هر کسی که ایمان داشته باشد یک نکته را گوشزد می کند و آن این است که «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱) یعنی برای انسان هایی که اهل ایمان هستند و ایمان به خدا و آخرت دارند و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارند اسوه ای دارند که این اسوه پیامبر خداست.

حجت الاسلام مصطفی پور در ادامه گفت: اگر بخواهیم انسانی را به عنوان اسوه معرفی کنیم باید تلاش کنیم که پیامبر اسلام(ص) را معرفی کنیم و از ایشان شناخت کامل داشته باشیم. یکی از راه های شناخت پیامبر اسلام(ص) و اسوه انسانی آشنایی با سیره او به تعبیری که در کتاب های مختلف آمده و سبک زندگی او به تعبیری که امروز مطرح می کنند است. چون انسان می خواهد دارای سبکی در زندگی باشد، این سبک زندگی را باید براساس یک شخصیتی که معصوم است و خطا در او راه پیدا نمی کند. اعمال او پاک است و ... أخذ کنیم. در واقع باید از او سرمشق بگیریم، لذا بعضی از بزرگان وقتی صحبت از سیره پیامبر(ص) یا ائمه(ع) می کنند گفتند: سیره یعنی سبک زندگی.

وی با بیان اینکه پیغمبر(ص) جز خیرخواهی و نصیحت شیوه دیگری در رفتار خود نداشت، گفت: لذا اگر کسی هم انتقادی می کرد یا حرفی می زد پیامبر(ص) خیلی راحت گوش می داد و لذا در قرآن داریم چون پیامبر سخن مردم را می شنیدند می گفتند «أَذِنَ لَكُمْ» پیامبر گوش است، ولی خداوند می فرماید درست است که پیامبر گوش است اما أَذِنُ حَيْرَ لَكُمْ پیامبر حرفها را گوش می دهد، اما جایی که بخواهد برخورد و تصمیم گیری کند و بخواهد کاری انجام دهد جز براساس خیر کاری انجام نمی دهد. کار پیامبر(ص) از لحاظ مدیریتی اقامه حق و عدل بود، چنانچه قرآن هم همه انسان ها و مؤمنان را به این امر دعوت می کند و حتی در مقام بیان اهداف انبیاء(ع) داریم «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» انبیاء(ع) از جمله پیامبر اکرم(ص) مبعوث شدند تا قسط و عدالت را در جامعه پیاده کنند.

حجت الاسلام مصطفی پور افزود: اینها جنبه های کلی سیره پیامبر(ص) است که حاکی از انسانیت کامل و کمال انسانیت آن حضرت است، چون معصوم است ما هم باید روش ها را به لحاظ فردی، اجتماعی، مدیریتی و خانوادگی و مسائل دیگر به کار بگیریم. یکی از نکاتی که فکر می کنم در ارتباط با پیامبر اکرم(ص) کمتر مورد توجه قرار گرفته است سیره او در برخورد با مخالفان و کافران و پیروان افکار و اندیشه های دیگر است که واقعا این بعد از زندگی پیامبر(ص) کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

وی گفت: در بحار روایات فراوانی داریم که وقتی پیامبر(ص) با پیروان ادیان دیگر برخورد می کرد، آنها را آن چنان مجاب می کرد که حاضر می شدند اسلام را به عنوان یک دین بپذیرند، اگر کسانی اهل مطالعه باشند می توانند به بحار، جلد ۹ مراجعه کنند و در این جلد که مربوط به احتجاجات پیامبر(ص) است موارد فراوانی را راجع به این مسأله مشاهده کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی افزود: پیامبر(ص) چون همواره براساس عقلانیت، استدلال های عقلی و برهانی عمل می کرد معمولا مردم مجاب می شدند، اجباری در پذیرش اسلام نداشتند، چون حرف قرآن هم همین است. قرآن هم در برابر افرادی که ادعاهایی داشتند پیغمبر(ص) مأمور بود که به آنها بگوید: اگر شما راست می گوئید برهان، استدلال و دلیل خود را بیان کنید. آنها هم معمولا نمی توانستند چنین استدلال هایی داشته باشند، البته پیامبر اکرم(ص) اگر براساس استدلال و برهان در برابر افراد سخن می گفت این هم دستور قرآن بود، یعنی در واقع به حکم قرآن پیامبر(ص) این کار را انجام می داد.

با توجه به این نکته می گویم آن چیزی که مسلمان ها باید به سیره پیامبر(ص) توجه داشته باشند این است که روش عقلانی را برای تبیین حقایق مورد توجه قرار دهند. پیامبر(ص) براساس استدلال و برهان و تعقل با مردم برخورد می کرد و این هم یک عامل بسیار بزرگی برای جذب مردم به سمت اسلام بود. تنها چیزی که در پیامبر(ص) نمی بینیم خشونت و برخورد با شمشیر است، اگر هم از جهاد صحبت می شود نوعا جهادها جنبه دفاعی دارد نه جنبه ابتدایی. یا اینکه افرادی به حکم قرآن از مسلمان ها استمداد می کردند که پیامبر(ص) و مسلمانان موظف بودند برای نجات آنها اقدام کنند یا دیگران به آنها حمله می کردند و پیامبر(ص) با آنها برخورد می کرد. معروف است که پیامبر(ص) با وجود اینکه در جنگ ها شرکت می کرد، ولی هیچگاه خود اقدام به ایجاد ضرب و جرح و یا قتل نسبت به کسی نکرد. بنابراین ما هم به عنوان یک مسلمان باید این سیره را در این زمان برای جذب مردم به سوی اسلام در پیش بگیریم و در مرتبه اول اهل رحمت و محبت به مردم و در مرحله دوم باید عقلانی بیندیشیم و عمل کنیم.